یادداشت روز

ماشین سرکوب یانکی‌ها و تقدیس آشوبگران در ایران

مسعود اکبری

۱- مستندات متعدد و انکارناپذیر حکایت از آن دارد که سیاست خارجی دولت آمریکا نه تنها بر پایه اصول اخلاقی استوار نیست، بلکه بر روی ریلی از تناقضات ساختاری حرکت می‌کند.

این تناقض زمانی به اوج خود می‌رسد که رفتار دولت آمریکا در قبال اعتراضات داخلی خود را با مواضعش در برابر حوادث مشابه در کشورهای مستقل مقایسه کنیم. واژه «اعتراض» که در قاموس رسانه‌های غربی برای ایران به معنای «حق مقدس» تعبیر می‌شود، در عبور از مرزهای ایالات متحده به ناگاه تغییر هویت داده و به «آشوبگری حرفه‌ای» تبدیل می‌شود.

۲- در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۳ خرداد ۱۴۰۴) کلانتر شهر «بروارد» در ایالت فلوریدا ادبیاتی را خطاب به معترضان به کار برد که بوی خون می‌داد. او با صراحتی تکان‌دهنده اعلام کرد: «اگر به سمت ما آجر یا کوکتل مولوتوف پرتاب کنید یا اسلحه به سوی پلیس نشانه بگیرید، به خانواده‌تان اطلاع می‌دهیم که لاشه شما را از کجا تحویل بگیرند، چون شما را بی‌رحمانه خواهیم کشت.»

این اظهارات نه یک هشدار ساده، بلکه نمادی از دکترین امنیتی آمریکا است. کلانتر فلوریدا در ادامه تهدیدات خود افزود: «اگر نمی‌خواهید هیچ‌کدام از این اتفاق‌ها برایتان بیفتد، قانون را رعایت کنید. اگر بخواهید دور یک خودرو جمع شوید و راه را ببندید، به احتمال زیاد زیر گرفته می‌شوید و روی خیابان کشیده می‌شوید.»

این سطح از خشونت کلامی و عملی در قلب کشوری که مدعی صادر کردن دموکراسی به جهان است، نشان‌دهنده آن است که «امنیت» برای حاکمان آمریکا، تنها زمانی محترم است که منافع خودشان در میان باشد.

۳- «جی دی ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً در اظهارنظری پیرامون اعتراضات شهر مینیاپولیس تأکید کرد: «برنامه ما خیلی ساده است؛ اگر به یک افسر حمله کنید، ما هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهیم. اگر اعتراض صلح‌آمیز نباشد و به یک کلیسا حمله کنید، ما خیلی شدید برای رعایت حقوق مردم برای عبادت برخورد می‌کنیم.»

نکته کلیدی در سخنان ونس، استفاده از پوشش «حق عبادت» برای سرکوب است. این اظهارنظر، جدیدترین سند از رفتارهای دوگانه واشنگتن است. در حالی که آمارهای رسمی در ایران از تخریب و آتش زدن بیش از ۳۰۰ مسجد و هزاران جلد قرآن و نهج‌البلاغه توسط هسته‌های تروریستی در اغتشاشات اخیر حکایت می‌کند، سران آمریکا و از جمله دونالد ترامپ، این افراد را «معترضان مسالمت‌جو» خطاب می‌کند.

اما همین رئیس‌جمهور، وقتی با چند شهروند آمریکایی روبه‌رو می‌شود که در جریان یک مراسم مذهبی در کلیسای مینه‌سوتا، بدون هیچ درگیری فیزیکی یا تخریب اموالی، صرفاً با صدای بلند اعتراض کرده‌اند، برآشفته می‌شود. ترامپ با بازنشر تصاویر این اعتراض، از اصطلاح «آشوب‌طلب حرفه‌ای» استفاده کرد و نوشت: «این‌ها آدم‌های حرفه‌ای هستند که به شدت آموزش دیده‌اند تا مانند دیوانه‌ها فریاد بزنند و هیاهو راه بیاندازند.»

تقابل این دو تصویر، اوج رذالت سیاستمداران آمریکایی را نشان می‌دهد. در یکسو، حملات وحشیانه به مساجد و امامزاده‌ها (مانند امامزاده سبزقبا در دزفول) نادیده گرفته شده و حتی این اقدامات جنایتکارانه تحسین می‌شود، و در سوی دیگر، اعتراض کلامی در یک کلیسای داخلی، به عنوان یک اقدام شورشیِ نابخشودنی سرکوب می‌شود.

۴- شبکه الجزیره اخیراً در گزارشی به قلم «محمد المنشاوی» درخصوص سیاست یک بام و دو هوای رئیس‌جمهوری آمریکا نوشت: «ترامپ از یک‌سو توجه ویژه‌ای به تحولات داخل ایران نشان می‌دهد و از معترضان حمایت می‌کند و از سوی دیگر تظاهرات و اعتراضات در داخل آمریکا را غیر قانونی و عاملان آن را خرابکار می‌داند.»

الجزیره در ادامه نوشت:«ترامپ تظاهرات کنندگان ایرانی را شجاع و شایسته حمایت و برعکس تظاهرات کنندگان آمریکایی مخالف سیاست‌هایش را خرابکار و آشوب‌طلب و غیر قابل تحمل دانست.»

۵- تناقض دیگر در سیاست‌های ترامپ، استفاده از قدرت نظامی است. او پس از شعله‌ور شدن اغتشاشات در ایران، با ژستی بشردوستانه کشورمان را تهدید به حمله نظامی کرد و نوشت: «اگر آن‌ها شروع به کشتن معترضان کنند، ایالات متحده ضربه بسیار سختی به آن‌ها خواهد زد.»

این در حالی است که کارنامه هر دو دوره ریاست‌جمهوری او، از به‌کارگیری ارتش علیه مردم حکایت دارد. در اعتراضات سال گذشته میلادی که در واکنش به سیاست‌های مهاجرتی دولت آمریکا شکل گرفت، ترامپ بدون درنگ گارد ملی را به خیابان‌های لس‌آنجلس، واشنگتن، شیکاگو و پورتلند اعزام کرد تا با مشت آهنین پاسخ معترضان را بدهد.

همچنین زمانی که دامنه اعتراضات در آمریکا به راهپیمایی بی‌سابقه ۷ میلیون نفری تحت عنوان «نه به پادشاه» رسید، دولت ترامپ از روش‌های نوین و غیراخلاقی برای سرکوب استفاده کرد. او با انتشار کلیپی که توسط هوش مصنوعی ساخته شده بود، معترضان را به شکلی نمادین با فضولات بمباران کرد تا آن‌ها را تحقیر و بی‌آبرو کند. این برخورد با شهروندانی که صرفاً خواهان تغییر سیاست‌های کلان بودند، نشان داد که در منطق کاخ سفید، اعتراض تنها زمانی مجاز است که در زمینِ دشمنانِ آمریکا بازی شود، نه در خیابان‌های واشنگتن.

در میانه این سرکوب‌ها، کشته شدن یک زن جوان ۳۷ ساله به دست مأموران پلیس در مینیاپولیس، موج جدیدی از خشم را برانگیخت. واکنش دولت نه تنها عذرخواهی یا اصلاح رویه نبود، بلکه تشدید خشونت‌ها را به دنبال داشت. ترامپ در حالی که خون این زن بر سنگفرش خیابان‌ها خشک نشده بود، معترضان را «آشوبگر» نامید.

۶- آمارها در سال ۲۰۲۵ میلادی، ابعاد وحشتناکی از خشونت سیستماتیک حاکمیت در آمریکا را فاش می‌کند. طبق مستندات، نیروهای پلیس آمریکا در این سال حداقل ۱۳۱۴ نفر را به قتل رسانده‌اند که اکثر آن‌ها غیرمسلح بوده‌اند.

بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که پلیس آمریکا در یک بازه ۱۰ماهه در سال ۲۰۲۵، تقریباً هر روز دست به قتل شهروندان زده و تنها در «۲ روز» است که آماری از قتل توسط پلیس ثبت نشده است! این یعنی سالانه بیش از هزار نفر قربانی برخوردهای مرگبار پلیس می‌شوند، عددی که کارشناسان معتقدند به دلیل گزارش‌دهی‌های ناقص، در واقعیت بسیار بیشتر از این رقم است.

۷- در حالی که پلیس آمریکا شهروندان خود را به دلیل اعتراضات مدنی هدف قرار می‌دهد، از سوی دیگر به اعتراف سرهنگ «لارنس ویلکرسون»، مقامات واشنگتن از هسته‌های تروریستی که در ایران اقدامات «داعش‌گونه» انجام می‌دهند، حمایت مالی و اطلاعاتی می‌کنند. این هسته‌ها که توسط ماشین کشتار ترامپ تغذیه شده و با همکاری موساد، سیا و ام‌آی۶ هدایت می‌شوند، به اماکن عمومی و خصوصی حمله می‌کنند، اما از نظر دولت‌های غربی، این اقدامات هرگز «تروریستی» نامیده نمی‌شود.

۸- دولتی که فریاد زدن چند شهروند در یک کلیسا را «آشوب حرفه‌ای» قلمداد می‌کند، اما همزمان در برابر آتش زدن بیش از ۳۰۰ مسجد و هزاران جلد کتاب مقدس در ایران سکوت کرده یا آن را تحسین می‌کند، در واقع تیر خلاص را به پیکره لرزان «اعتبار بین‌المللی» خود شلیک کرده است. این تناقض، تنها یک اختلاف نظر سیاسی نیست؛ بلکه یک سقوط اخلاقی تمام‌عیار است.

وقتی کار به جایی می‌رسد که مقامات سابق نظامی آمریکا هم از «ماشین کشتار» و همکاری مثلث موساد، سیا و ام‌آی۶ پرده برمی‌دارند، بیش از پیش ثابت می‌شود که آنچه در ایران رخ داد، نه یک اعتراض مدنی، بلکه یک «پروژه امنیتی» بود که با هدف قتل عام و ویرانی زیرساخت‌های کشورمان طراحی شده بود. این پروژه در حقیقت در راستای استراتژی «هرج و مرج خلاق» واشنگتن است. هدف اصلی در این طرح، ایجاد هرج و مرج و درگیری میان مردم در داخل یک کشور است؛ به طوری که آمریکا و نظام سلطه بدون هیچ‌گونه اقدام نظامی بتوانند به اهداف خود در آن کشور برسند.

۹- در این میان یک نکته بسیار مهم وجود دارد. قتل ۱۳۱۴ نفر به دست پلیس آمریکا در یک سال، به این معناست که سیستم قضائی و اجرائی این کشور، «مجازات اعدام در صحنه» را به شکلی غیررسمی جایگزین فرآیندهای قانونی کرده است. این واقعیتِ عریانِ کشوری است که مدعی «نگهبانی از حقوق بشر جهانی» است.

بقیه در صفحه ۷

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس:

دشمن به دنبال سوریه‌سازی بود

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه دشمن به دنبال این بود که ایران را به سوریه دیگری تبدیل و آشوب و جنگ داخلی را برنامه‌ریزی کرده بود، اظهار داشت: مردم باید بدانند که هدف اصلی دشمنان ملت ایران، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها، از این حوادث، سوریه‌سازی ایران و مدلی از تجزیه، ناامنی وطن و براندازی بود، اما ملت ایران همیشه با آگاهی برخورد کرده‌اند.

ابراهیم عزیزی، نماینده مردم شیراز و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایرنا ضمن ارائه تحلیلی از وضعیت اخیر کشور، اظهار داشت: ما از هفتم دی‌ماه شاهد یک‌سری اعتراضات از سوی برخی از بازاریان و اصناف کشور بودیم که ابتدا از تهران شروع شد و بخشی از کسبه بازار بی‌ثباتی و عدم تعادل نرخ ارز در بازار را برای امور کسب‌وکار خودشان مضر می‌دانستند و این موضوع را دنبال می‌کردند تا به نوعی اقدامات مناسبی در دستور کار قرار گرفته و تلاش شود از این بی‌ثباتی بازار خارج شود.

نماینده مردم شیراز در مجلس افزود: ابتدا شاهد نقد و اعتراض‌های صنفی بودیم که در نهایت منتهی به تجمعاتی اعتراض‌آمیز هم شد. جمهوری اسلامی بارها گفته است که اعتراض حق مسلم مردم به‌ویژه در موضوعات اقتصادی و معیشتی است، هیچ کسی نباید این اعتراض و حق را از مردم سلب کند یا آن را منکر شود. مشکلات اقتصادی که بوده یا هست، لذا یک بحث اقتصادی، یک بحث اعتراضی و یک بحث تجمع مردم را داریم.

عزیزی تصریح کرد: همه مسئولان و مقامات کشور آن اعتراضات را به رسمیت شناختیم، و همچنان هم به رسمیت می‌شناسیم و هیچ‌گونه مخالفتی هم با آن نبوده است و همه تلاش‌ها برای رفع مشکلات و دغدغه‌های مردم در دستور کار قرار گرفته است.

شاهد بودیم نیروی انتظامی در تجمعات صنفی نظم بخشی می‌کرد

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس ادامه داد: ضمن اینکه مجلس هم این موضوع را دنبال می‌کند که حتی قانون ساماندهی اعتراضات و تجمعات را هرچه زودتر به تصویب برساند تا در بستر قانون اساسی و قوانین کشور، اعتراضات - نه‌تنها در بازار، بلکه ممکن است در بخش‌های دیگر هم - افرادی و اشخاصی حرف و دیدگاهی داشته باشند، تصمیمات دولت را برنتابند و یا حتی ممکن است به یک مصوبه مجلس هم نقد و اعتراض داشته باشند حرف خود را بیان کنند.

عزیزی گفت: همیشه دولت و مسئولین نه‌تنها با انتقادات و اعتراض‌های قانونی و بحق مردم مخالفت نکردند، بلکه سعی کردند یاری هم بدهند و مأمورین انتظامی هم در این تجمعات و اعتراضات صنفی، برای نظم‌بخشی با اصناف و بازاریان همراهی می‌کردند.

وی ادامه داد: اما متأسفانه در ادامه این اعتراضات، ما شاهد یک رفتار سیاسی شدیم، بخشی از این اعتراضات در لایه‌های سیاسی و با اغراض سیاسی شکل گرفت و حرف‌هایی زده شد و اقداماتی را شاهد بودیم که اینها دیگر اصلاً جنبه اعتراض به مسائل صنفی و اقتصادی نداشت و اینجا هنجارشکنی اتفاق افتاد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: به‌رغم اینکه این موضوع مورد تذکر و اخطار قرار گرفت که این کارها هیچ‌گونه تناسبی با مسائل اقتصادی ندارد، بلافاصله این سطح از رفتارهای خلاف مقررات و قوانین به یک سطحی از خشونت‌های رادیکالی تبدیل شد.

اعتراضات اخیر با تحریک دشمنان به رفتارهای خشونت‌آمیز رادیکالی منتهی شد

عزیزی تاکید کرد: عده‌ای آمدند رفتارهایی از خودشان بروز دادند که موجبات آسیب و لطمه شد، اما یک سطح چهارم هم در حوادث اخیر دیده شد و آن آشوب، اقدامات تروریستیِ مسلحانه و اقداماتی بود که کاملاً با پشتیبانی و حمایت سرویس‌های خارجی و تروریسم آمریکایی - صهیونی همراه بود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس ادامه داد: اگر بخش اول یعنی اعتراضات صنفی، بخش دوم اعتراضات سیاسی و حتی بخش سوم که رفتارهای رادیکال که بعضاً هیجانی و تند بود را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم اسم آن را آشوب بگذاریم، جمهوری اسلامی با هر سه سطح این موضوع در واقع مدارا کرد و به شیوه‌ای برخورد کرد که کوچک‌ترین خدشه‌ای بر امنیت مردم وارد نشود و آسیبی متوجه اجتماع‌کننده، تظاهرکننده و کسانی که به هر حال این اقدامات را می‌خواستند نباشد.

اقدامات تروریستی و مسلحانه کاملا با پشتیبانی و حمایت سرویس‌های خارجی همراه بود

نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی همچنین عنوان کرد: اما زمانی که لایه سوم اعتراضات به مرحله چهارم یعنی آشوب، اغتشاش و اقدامات تروریستی کشیده شد که با حمایت، پشتیبانی، جهت‌دهی و با اتاق فرماندهی سرویس‌های بیگانه همراه بود، متأسفانه خسارت‌های بسیار زیادی را به مردم عزیزمان وارد کرد، بیش از ۳ هزار نفر کشته دادیم. قریب به ۲۵۰ مدرسه و صدها مسجد و حسینیه تخریب شد، تعداد زیادی از اماکن خصوصی، بالغ بر ۴۰۰ واحد خصوصی و فروشگاه‌های خدمات‌رسان آسیب دیدند، اینها همه آسیب‌هایی بود که متأسفانه وارد شد. تعداد کشته‌شدگان، مجروحان، زخمی‌شدگان و مصدومان در این حوادث طوری بود که موجبات نگرانی شد.

عزیزی ادامه داد: مهم این است که ملت بزرگ ما مثل همیشه بلافاصله صف اعتراض را از اغتشاش جدا کرد، ضمن اینکه همچنان ما این باور را داریم که بحث‌های اعتراضی و انتقاد به مسائل اقتصادی جای خودش را دارد، اما جمهوری اسلامی این وظیفه را داشته و دارد که برای آحاد مردم کشور امنیت لازم را تأمین کند و بستر را برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم کند و با هر ناامنی، چه در داخل و چه در بیرون از مرزها، برخورد کند.

هدف دشمن، تجزیه، تسلیم و براندازی ایران اسلامی بود

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس اظهار داشت: این جنگ و آشوب داخلی که در ادامه جنگ ۱۲روزه انجام شد، با حضور مردم و با تلاش مجدانه نیروهایی که وظیفه نظم و امنیت را داشتند، خنثی شد و امروز باز هم ملت ایران در این صحنه، پیروز میدان و خالق این حماسه شد. گرچه اقدامات صبورانه و مبتنی بر نظم و انضباط نیروهای مسلح و حضور ایثارگرانه‌ای که همه آحاد مردم داشتند، نقش مهمی در این موفقیت و نقش بر آب شدن توطئه برنامه‌ریزی شده دشمن داشت.

عزیزی گفت: دشمن باید بداند اگر ملت ایران حرف و انتقادی و یا اعتراضی دارد حتما در مورد آن گفت‌وگو می‌کند، شاید در موضوعاتی آحاد مردم به یک موضوع هم اعتراض داشته باشند، اما اجازه نمی‌دهند بیگانه در امورشان دخالت کند، ملت ایران هیچ‌وقت اجازه نمی‌دهند که خواسته‌های به‌حقشان از مسیر نادرستی و در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه دشمنان ایران، منتهی به ناامنی در داخل کشور شود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه دشمن به دنبال این بود که ایران را به سوریه دیگری تبدیل و آشوب و جنگ داخلی را برنامه‌ریزی کرده بود، اظهار داشت: مردم باید بدانند که هدف اصلی دشمنان ملت ایران، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها، از این حوادث، سوریه‌سازی ایران و مدلی از تجزیه، ناامنی وطن و براندازی بود، اما ملت ایران همیشه با آگاهی برخورد کرده‌اند.

گفت و شنود

چطوری در رفتی؟!

گفت: روزنامه گاردین در گزارشی نوشته است «ماجرای گرینلند نشان داد که ترامپ فقط حرف زور را می‌فهمد»!

گفتم: تازه متوجه شده؟! خُب حالا چی نوشته؟

گفت: گاردین نوشته است، ترامپ که تهدید کرده بود به گرینلند حمله نظامی می‌کند، ولی بعد از آنکه کشورهای اروپایی اعلام کردند که در گرینلند قصد انجام مانور نظامی دارند، تهدیدش را پس گرفت و عقب‌نشینی کرد.

گفتم: «نیکی هیلی» نماینده ترامپ در دور اول ریاست جمهوری او، بعد از برکناری اعلام کرد که ترامپ توصیه کرده بود که از او چهره یک رئیس‌جمهور خشن را ترسیم کند که ممکن است به هر کاری دست بزند! و درباره منظورش گفته بود که این باعث ترس دیگران و تن دادنشان به خواسته‌های من خواهد شد!

گفت: این همان ترفند معروف «مرد دیوانه» نیکسون است که برای ترساندن ویتنامی‌ها از آن استفاده می‌کرد ولی به اعتراف خودش هرگز کارساز نبود!

گفتم: یارو توی باغ وحش جلوی قفس میمون‌ها ایستاده بود و شکلک در می‌آورد که آنها را بترساند! یکی از میمون‌ها گفت؛ به جای این مسخره‌بازی‌ها بگو چطوری از قفس بیرون اومدی که ما هم فرار کنیم!

معاون سیاسی وزیر کشور:

ساختار امنیتی جای هیچ نگرانی ندارد طرح‌های امنیتی در حال طراحی است

معاون سیاسی وزیر کشور خاطرنشان کرد: از نظر ساختار امنیتی کشور، هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی، هیچ نگرانی وجود ندارد. طرح‌های آینده امنیتی مبتنی بر دو بحران اخیر در حال طراحی هستند.

علی زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور در گفت‌وگو با مهر راجع به آمادگی این وزارتخانه برای توطئه‌های دشمن پس از جنگ ۱۲ روزه و استمرار آنها گفت: همه کشورها قاعدتاً در مواجهه با بحران‌هایی مانند جنگ، حوادث داخلی یا تروریسم، ضعف‌های خود را شناسایی می‌کنند و در مراحل بعدی، به دنبال رفع آن‌ها هستند. کشور ما نیز از این قاعده جهانی مستثنی نیست.

وی افزود: ما هم «جنگ ۱۲روزه» را تجربه کردیم و هم جریان پیچیده‌ای از اغتشاشات داخلی و ترور را دیدیم. البته این موضوعات در رصدها و پیش‌بینی‌های امنیتی ما وجود داشت، اما در نحوه اجرای عملیات‌های دشمن، گاهی عناصر غافلگیری نیز دیده شد؛ چیزی که خود مسئولان نیز به آن اشاره کرده‌اند.

زینی‌وند همچنین عنوان کرد: در عصر حاضر، با توجه به گسترش شبکه‌های مجازی، ارتباطات جهانی و سفرهای فراوان به خارج، هیچ کشوری حتی پیشرفته‌ترین‌ها نمی‌توانند ادعا کند که بر تمام منافذ امنیتی خود تسلط کامل دارد. ما هم از این واقعیت جهانی مستثنی نیستیم.

وی اظهار داشت: این تجربه‌ها، درس‌های بزرگی داشت. اولاً، با توجه به عظمت تهدید، تسلط نیروهای امنیتی و انتظامی ما بسیار بالا بود و باید دست‌مریزاد به این نیروهای ملت‌پرست گفت. ثانیاً، وجود برخی ضعف‌ها نیز انکارناپذیر است و در این‌جا نباید تعارف کرد. باید صادقانه ضعف‌هایمان را شناسایی و برطرف کنیم تا از تکرار چنین رخنه‌هایی جلوگیری شود و ان‌شاءالله به امنیتی جامع و پایدار دست یابیم.

معاون سیاسی وزیر کشور تصریح کرد: مردم ما به‌حق اعتماد کاملی به ساختار امنیتی کشور دارند و این اعتماد، ریشه در عملکرد واقعی این ساختار دارد. امنیت آن‌ها نیز به‌فضل خداوند تضمین شده است.

زینی‌وند در پاسخ به این پرسش که آیا طرح یا برنامه ویژه‌ای برای استمرار امنیت در دستور کار است؟ گفت: بله؛ ما هم طرح‌های عادی امنیتی داریم که در هر استان، متناسب با شرایط محلی، در شوراهای تأمین تصویب می‌شود و هم طرح‌های سراسری امنیتی که در سطح ملی پیاده می‌شوند. شک نکنید که طرح‌های آینده امنیتی ما که در حال طراحی هستند، مبتنی بر درس‌گرفتن از ضعف‌های احتمالی در دو بحران اخیر خواهند بود.

معاون سیاسی وزیر کشور تأکید کرد: با قاطعیت می‌گویم: از نظر ساختار امنیتی کشور هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی هیچ نگرانی وجود ندارد. ما از ظرفیت‌های خود آگاهیم و با اتکا به خدا و همراهی مردم، امنیت ملی را تقویت خواهیم کرد.

خبر ویژه

تحلیلگران آمریکایی: جنگ ترکیبی علیه ایران شکست خورد

تحلیلگر آمریکایی تاکید کرد از زمانی که ارتباط گردانندگان میدانی اغتشاشات در ایران با سرویس‌های خارجی قطع شد، پروژه آشوب و جنگ ترکیبی علیه ایران شکست خورد.

مکس بلومنتال گفت: سازمان‌های اطلاعاتی، از MI۶ تا موساد، شروع به نفوذ در اعتراضات کردند. بسیاری از معترضان مسلح بودند. به محض قطع اینترنت، خشونت در شهرهای ایران متوقف شد؛ زیرا گردانندگان این هسته‌های شورش دیگر نمی‌توانستند دستورات خود را از خارج دریافت کنند. آنها از طریق گروه‌ها سیگنال‌های مخفی دریافت می‌کردند و از طریق کانال‌های ماهواره‌ای مورد حمایت اسرائیل، مانند ایران اینترنشنال هدایت می‌شدند. ایرانی‌ها همچنین استارلینک را از کار انداختند. بنابراین فکر می‌کنم هر کسی که این اعتراضات را به‌عنوان شکلی از جنگ ترکیبی علیه ایران دنبال می‌کرد، توانایی نیروهای نظامی و امنیتی این کشور را دست‌کم گرفته بود.

از سوی دیگر، اسکات ریتر، افسر سابق پنتاگون در همین زمینه گفت: سرویس‌های اطلاعاتی خارجی طی سال‌های گذشته در جذب نیرو و نفوذ عمیق آنها در داخل ایران بسیار موفق عمل کرده‌اند. نمونه روشن آن را در جریان عملیات پهپادیِ جنگ ۱۲روزه دیدیم. دولت ایران در نهایت موفق شد این شبکه را شناسایی و متلاشی کند. اما یوآف کوهن، رئیس پیشین موساد، به‌طور تلویحی اشاره کرده بود که «چیزهای بیشتری در آستین داریم». به نظر من، این همان مرحله بعدی بود. سرویس‌های اطلاعاتی خارجی با هماهنگی یکدیگر، بحرانی مالی و آسیب به اعتماد عمومی در اقتصاد ایران را طراحی کردند؛ بحرانی که به شکل‌گیری اعتراضات انجامید. به مدت دو روز، مردم به‌صورت مسالمت‌آمیز به خیابان آمدند و دولت نیز اجازه برگزاری این تجمعات را داد. اما در روز سوم، هسته‌های سازمان‌یافته فعال شدند و از همان‌جا خشونت آغاز شد. هدف این بود که سطح خشونت آن‌قدر بالا برود که حکومت ناچار به واکنش شدید شود. سپس طراحان این سناریو بتوانند اوضاع را «ربایش» کنند. همزمان قرار بود حملات هوائی انجام شود تا توان واکنش دولت سرکوب شود و در نهایت شرایط برای وقوع یک براندازی فراهم گردد. آنها تا آستانه تحقق این هدف پیش رفتند. اما مشکل اینجا بود که دولت ایران، به‌واسطه کارآمدی اطلاعاتی، زودتر از زمانی که برنامه‌ریزی شده بود، این پروژه را در نطفه خفه کرد. موساد، MI۶ و CIA به‌طور گسترده از استارلینک به‌عنوان ابزار ارتباطی استفاده می‌کردند؛ چرا که این شبکه خارج از زیرساخت اینترنت داخلی ایران عمل می‌کند. ایران سال‌هاست که یک «کلید قطع» برای اینترنت دارد؛ قابلیتی که به دولت اجازه می‌دهد برای مقابله با ارتباط‌گیری گروه‌های مورد حمایت خارجی، اینترنت را به‌طور کامل قطع کند. اما ایرانی‌ها توانستند با رصد ارتباطات داخلی با استارلینک، ارتباطاتی را که عوامل موساد، MI۶ و CIA از کنترل‌کننده‌های خود در خارج از کشور دریافت می‌کردند، رصد کنند. نه‌تنها از دستورات صادرشده آگاه شدند، بلکه مشخص شد این دستورات به چه کسانی می‌رسد و آن افراد دقیقاً در کجا حضور دارند.

سپس، نیروهای ایرانی وارد عمل شدند، این شبکه‌ها را جمع کردند و ارتباطات را به‌طور کامل قطع کردند. اکنون موساد، MI۶ و CIA عملاً قادر نیستند با عوامل خود ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل بود که شاهد این پرسش گسترده بودیم: «چرا ایران اینترنت را قطع کرده؟ اگر می‌گویند مردم را نمی‌کشند، چرا اینترنت را بسته‌اند؟» پاسخ ساده است: ایران اینترنت را قطع کرده تا مانع ارتباط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی با باقی‌مانده شبکه‌هایشان شود.

اسرائیلی‌ها محموله‌های بزرگ دیگری از تجهیزات ارتقایافته استارلینک ارسال کردند؛ شاید با این تصور که مشکل فنی بوده و با تجهیزات جدید حل می‌شود. اما ایران این محموله‌ها را زیر نظر داشت، آنها را شناسایی و ضبط کرد. در نتیجه همه این اتفاقات، پروژه زودتر از موعد فروپاشید و حملاتِ هوائی اجرا نشدند، زیرا دیگر هیچ پیوندی با تحولات میدانی نداشتند و عملاً بی‌اثر بودند.

دولت در کنار حذف ارز ترجیحی سیاست‌های جبرانی پیش‌بینی کند

حالا که دولت محترم وارد فاز حذف ارز ترجیحی و تک‌نرخی کردن ارز شده، آقای رئیس‌جمهور بگذارند با رویکرد «بازارسازی مطلق» به‌جای «مداخله صحیح و ضروری دولت در امر اقتصاد، صرفاً نقش تنظیم‌گری برای دولت محترم» نهادینه شود.

میرهاشم موسوی، مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی در بررسی تصمیم ارزی دولت نوشت: با توجه به شرایط اقتصادی در این برهه زمانی، وجوه مداخله دولت توسط مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی برای تقویت معیشت عموم (از تنظیم بازار و قیمت‌گذاری تا حمایت‌های معیشتی از افراد بازمانده از بازار رقابتی و نظارت مستمر برای جلوگیری از رهاشدگی بازار) به سادگی قابل درک است.

آزادسازی قیمت‌ها در کالاهای اساسی و افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم غیرمستقیم و انتقال تورم به خدمات و کالاهای غیرمشمول در این طرح ناشی از این آزادسازی به روش فعلی (اختصاص اعتبار خرید کالا) غیرقابل اجتناب است. برای اصلاح رویه و کنترل درصدی از تورم، از تجربه دوران هشت ساله جنگ تحمیلی و ظرفیت‌های منسجم مردمی ایجاد شده، استفاده بهینه و بهره‌ورانه کنید. به‌جای تخصیص «اعتبار مجازی اما نقدی»، به صورت «تامین و توزیع کالا» عمل کنید.

می‌توانید کالاهای اساسی را با قیمت واقعی بدون تخصیص ارز ترجیحی توسط بخش خصوصی و عمومی تولید یا وارد کنید و سپس توزیع کالای اساسی به قیمت ثابت گذشته در مبادی توزیع (متشکل از تعاونی‌ها و فروشگاه‌های طرف قرارداد وزارت رفاه و...) با پرداخت مابه‌التفاوت قیمت را به مبادی توزیع و نه واریز اعتباری شبه‌نقدی به حساب مردم داشته باشید؛ بدیهی است با این روش به‌ازای دریافت کالا توسط مردم، می‌تواند معایب نقدینگی اعتباری و بخشی از آثار تورمی غیرمستقیم و انتقالی این طرح را کنترل کرد.

همچنین دسترسی عادلانه به کالاهای اساسی برای عموم مردم، به‌ویژه متوسط به پایین تا حدودی تضمین می‌شود؛ اعلام و توزیع تدریجی کالاها نیز نوعی مدیریت و انتظام‌بخشی طرح را تقویت و نارضایتی‌های ناشی از کمبود کالا را مدیریت می‌کند؛ در این خصوص، هماهنگی بین‌بخشی دستگاه‌های مرتبط، به‌ویژه وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، اقتصاد و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرآیند عملیات اجرائی را تقویت می‌کند.

در عین حال، توزیع برابر عواید، روشی غلط است که رفع نابرابری‌های اقتصادی را به دنبال ندارد بلکه باید برای اقشار تحت پوشش نهادهای حمایتی، بازنشستگان حداقل‌بگیر و... بسته تکمیلی تعریف شود. مسیری که در آزادسازی تدریجی بازار در وزارت اقتصاد دنبال می‌شود، قدرت خرید و تأمین حداقل زندگی برای این اقشار را سخت‌تر می‌کند.

همان‌طور که در نامه اصلاح بودجه، خودتان اختیار اصلاح به نفع معیشت را پذیرفتید، با توجه به اجرای طرح اقتصادی که آغاز کرده‌اید و پیش‌رو دارید، با هرگونه اصلاح جبرانی و تقویت دریافتی مستقیم و غیرمستقیم برای کارگران کارمندان و بازنشستگان عزیز همراهی کنید و دستگاه‌های ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه کشور را موظف کنید تا آخر طرح، براساس بودجه و مصوبات طرح، به هر نحو ممکن تا آخر سال بودجه‌ای متعهدانه کنار مردم بماند.

به تجربه قبلی ارز ترجیحی دارو دقت بیشتر داشته باشید؛ هر جایی که سازمان برنامه و بودجه با تامین منابع موردنیاز برای مابه‌التفاوت نرخ ارز در کنار طرح بود، تولید و توزیع دارو کمتر دچار مشکل شد و هر مقطعی که منابع تعهد شده تأمین نشد، هزینه‌های درمان و پرداخت از جیب مردم سرسام‌آور شد.

به نظر می‌رسد ادامه طرح حاضر بدون توجه به ملاحظات حداقلی اشاره شده، نه‌تنها آرزوی رئیس‌جمهور محترم از تقویت و حمایت معیشتی را برآورده نمی‌کند، بلکه با پذیرش مدل اقتصادی بازار رها شده و بدون نظارت جدی، کاهش رفاه عمومی و افزایش فقر را نیز به دنبال خواهد داشت. تجربه نشان داده اقتصاد بازار آزاد در غیاب مکانیزم‌های حمایتی قوی و نظارت مؤثر دولتی، همواره به تمرکز ثروت و کاهش زیست‌پذیری اکثریت جامعه منجر می‌شود.

فارن پالیسی: خسارات جنگ با ایران برای اسرائیل بالاست

اسرائیل دلایل عملی برای تعویق رویارویی مستقیم با ایران دارد. خسارت جنگ با ایران بالاست. حزب‌الله لبنان همچنان توان ضربه زدن به اسرائیل را دارد و خستگی از جنگ هم در اسرائیل دیده می‌شود.

این تحلیل را نشریه فارین پالیسی منتشر کرد و نوشت: شاخص‌ها نشان می‌دهند که آتش‌بس موقت ایران و اسرائیل دوام زیادی نخواهد داشت و زمانی که این فرو بریزد، دور بعدی می‌تواند حتی بزرگ‌تر و خشونت‌آمیزتر از قبل باشد. اسرائیل و ایران سال‌ها درگیری جنگی در سایه بوده‌اند و پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ سه دور رویارویی مستقیم بین آنها رخ داد که به یک جنگ محدود ۱۲روزه در ژوئن گذشته منجر شد. و این درگیری هنوز نشانه‌ای از پایان ندارد.

اسرائیل دلایل عملی برای تعویق رویارویی مستقیم دیگر داشت. در طول جنگ ۱۲ روزه تابستان گذشته، موشک‌های ایرانی حداقل ۳۳ نفر را در اسرائیل کشتند، بیش از ۳۵۰۰ نفر را زخمی کردند و حداقل ۱.۵ میلیارد دلار خسارت به بار آوردند. دفاع هوائی اسرائیل و آمریکا مانع از افزایش چشمگیر این آمار شد اما تا پایان جنگ، ذخایر رهگیرهای اسرائیل، به‌ویژه سیستم پیشرفته Arrow که قادر به رهگیری موشک‌های بالستیک است، کاهش داشته است. علاوه‌بر این، ایالات متحده اکنون در منطقه دارایی‌های نظامی کمتری برای کمک به دفاع اسرائیل نسبت به تابستان گذشته دارد.

اسرائیل همچنین با تهدیدات بیشتری مواجه است. اسرائیل سال‌ها نگران بوده است که حزب‌الله، بتواند حمله‌ای مشابه حماس در